

تعریف میکرد (نوارش هست) که مردی در کرمان بود که تعدادی مرید داشت و دم و دستگاهی برای خودش درست کرده بود و یا حق و یا هو می کرد و خلاصه مریدانش او را با عالم بالا مرتبط می دانستند و روزی از یکی از مریدانش می پرسند آیا درست است که او با عالم بالا رابطه دارد میگوید بله او هر شب به آسمان می رود و در بارگاه خداوندی حاضر میشود و دستورات می گیرد و باز می گردد. قبول ندارید بروید از خودش بپرسید.

شخص پرسش کننده میروید پیش این به اصطلاح مراد و می گوید حضرت آقا آیا این درست است که شما هر شب معراج می کنید و نزد خدا می روید. حضرت آقا می گوید خیر هرگز چنین نیست پرسشگر روز دیگر مرید آقا را می بیند و به او میگوید که من از آقا پرسیدم گفتند که هرگز چنین نیست و من پیش خدا نمی روم. مرید میگوید غلط کرده خودش نمی فهمد او هر شب به درگاه باری

تعالی شرفیاب می شود. و حالا حکایت این آقای اوبامای خودمان است اگر مریدانش بگذارند کار خودش را بکنند و مجری دستوراتی که از عالم غیب صادر می شود نشود به گمانم بتواند کاری کارستان را به ثمر برساند و گرنه اگر قرار باشد دستورات از عالم غیب صادر شود که این دستورات در حقیقت از ذهن بیمار مریدانش نشئت می گیرد وای به حال جهان و مردم جهان.

ای کاش

- ای کاش می شد سینه را از عشق انباشت جانی برای کینه در آئینه نگذاشت
- با اشک گردنبندی از الماس تر ساخت رخشان درفشی بر سر داری برافراشت
- دفترچه های خاطرات عاشقان را میخانه ی شمع و گل و پروانه پنداشت
- فکر بدی هم نیست هنگام تماشا گنجشک را در باغ صاحبخانه انگاشت
- در زاد روز حضرت عیسی مصلوب از قطع پای کاج کوچک دست برداشت
- تا اندکی باران بیبارد بر کویری
- ای کاش می شد ابر را در آسمان کاشت
- درسی سپند آموخت از آتش پرستی
- دیوانه را در خدمت دیوانه نگماشت

۲۵ آگوست ۲۰۰۸ منزل مهرآئینی، هلند



یهودی اسرائیلی و ایندو بر اثر حادثه ای جابجا شوند و یکی در آغوش پدر و مادر مسلمان و دیگری در خانواده ی یهودی بزرگ شود و از همان دوران کودکی کینه های کهنه را درون این دو پسر بیدار کنند و طبق معمول آنها را به خون یکدیگر که از دو طایفه مخالف هستند تشنه کنند و بعد از بیست سال بر اثر حادثه ای بفهمند که پدر و مادر این یکی عرب و دیگری یهودیست، چه اتفاقی خواهد افتاد و اگر این دو به خانواده های اصلی خود باز گردند چه پیش خواهد آمد؟ بیاد حرف گاندی بزرگ افتادم که وقتی مردی هندو به سراغش آمد و گفت پسر مرا مسلمان ها کشته اند گفت برو یک بچه ی مسلمان یتیم را به فرزند ی بگیر و بزرگش کن و اگر این فکر به حقیقت پیوندد که یهودی و مسلمان فرقی با هم ندارند و هر فرزند ی گمان کند که پدر و مادرش یهودی یا مسلمان هستند چه خواهد شد آیا غیر از این است که ناچار هستند با هم صلح کنند.

برگردیم به بحث اوباما که هنوز قسم اش نخورده دارند از او یک پیغمبر و امام می سازند و خودش خبر ندارد که به این مقام غیرمستول دست یافته چرا که پیغمبر و امام فکر خودش که نیست. خداوند به او دستور فرموده و حضرت هم به دیگران گفته که اجرا کنند.

این داستان را هم از بلند نام سعیدی سیرجانی که بعثت خداشناسی محکوم بمرگ شد برایتان بگویم و ختم کلام کنم:

یک سینه سخن

مسعود سپند

مکتب اوبامائیس

زیرچشمی به همسر صاحبخانه نگاه کردم و دیدم که لبخندی به لب دارد و به زبان بی زبانی میگوید آقا طرف چرت میگوید صبحانه ات را بخور اما حیف بود که سخنان چنین بانوئی را نشنوم و فقط به نان و پنیر و چای شیرین بپردازم.

گفتم خانم جان خدا تا بحال با شما حرف زده گفت بله گفتم آخرین باری که با شما حرف زد چی گفت: گفت خدا بمن گفت به اوباما رای بده- نفس راحتی کشیدم و خوشحال شدم و گفتم خوب شد خدا به شما نگفت به (اوساما) رای بده و گرنه چه فاجعه ای برپا میشد.

با لحن جدی گفت آقای پند (منظور سپند بود) داری منو مسخره میکنی گفتم نه خانم خیال شما دارید مرا مسخره می کنید- گفت من کی شما را مسخره کردم گفتم همین که داری میگی خدا با من حرف میزنه- گفت نه آقا من با خدا حرف زدم او بمن گفت که ناجی جهان دارد می آید به او رای بده. گفتم همین طوری با شما صحبت کرد و گفت به اوباما رای بده!؟ منم رای دادم و او هم انتخاب شد. گفتم خب خدا خودش او را انتخاب میکرد و دیگر به شما زحمت رای دادن نمی داد گفت من فقط یک وسیله بودم که بتوانم اوباما را انتخاب کنم.

دیدم دارد کم کم قضیه بیخ پیدا می کند و کار به جاهای باریک می کشد و ممکن است خانم ادعای امامت و پیغمبری بکند که خودش گفت من که کسی نیستم اما اوباما یک پیغمبر است.

گفتم منظورت چیه گفت خدا او را فرستاده که بشریت رو نجات بده.

گفتم بشریت رو از چی نجات بده گفت از همین بدبختی که گریبانگیرش شده. گفتم مثلاً کدام بدبختی گفت مثلاً همین جنگ فلسطینی ها و اسرائیلی ها.

گفتم خانم جان قربان صدایت اگر این اوباما بتواند بین عرب ها و اسرائیل صلح برقرار کند نه تنها فرستاده ی خدا بلکه خود خداست گفت آقا کفر نگو او خدا نیست او فقط فرستاده خداست و معجزه اش همین صلح بین اسرائیل و اعراب است.

آخ که چقدر حرف این خانم بدلم نشست و دیدم دنیای ما چقدر زیبا میشد اگر این صلح زیبا بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها برقرار میشد.

و بعد رؤیای زیبای دیدار از اورشلیم قشنگ و بدون درگیری و جنگ را در خیالم ترسیم کردم و اینکه ایندو طایفه که هر دو فرزندان ابراهیم هستند دست در دست یکدیگر جهان را به صلح دعوت کنند چقدر خیال انگیز و شادی آور است.

راستی هیچ پیش خود مجسم کرده اید اگر دو کودک مثلاً دو پسر در یک بیمارستان متولد شوند و یکی از پدر و مادر مسلمان فلسطینی و دیگری از پدر و مادر

یک زمانی توی مدرسه و در دوران دبیرستانی بعضی از همکلاسی ها که چند کتاب غیردرسی درباره سیاست و این جور حرف ها خوانده بودند می آمدند و پز میدادند که پلورالیزم چیه- ما هم به شوخی می گفتیم این جماعت طرفدار پلو هستند و بیشتر در شمال ایران پیدا میشوند و همین طور از این ایسم ها می ساختیم و می خندیدیم و کار به جایی رسیده بود که راجع به واژه ی اصغر قاتلیسم افسانه پردازی می کردیم و یا برای فراش دبیرستان دانش که نامش شاغلام بود و از ساعت ده صبح دم در مدرسه کشیک میداد که بچه های بخصوص کلاس دوازده ای ها فرار نکنند و به سینما نروند واژه ای ساختیم بنام شاه غلامیسم بعد رفقا گفتند اینکه نام جاهل ها و لوطی هاست گفتیم برای آن هم می سازیم جاهلیسم و لوطی ایسم.

خب آن دوران مدرسه بود و جوانی- اما این روزها نمیدانم جوانان ایران به خصوص مدرسه ای ها برای تفریح چه واژه هائی میسازند، لاید از واژه ی ایسم بدشان می آید چرا که همین ایسم ها و ایست ها پدر همه را در آورد و حضرات روشنفکر که هر کدامشان طرفدار یکی از همین ایسم ها بودند و به چشم حقارت به نظامی ها نگاه می کردند چنان پدری از کشورشان و خودشان درآوردند که تا تاریخ تاریخ است از ذهن مردم بیرون نخواهد رفت.

واژه ی خمینیسم هم برای مدتی بر زبان ها افتاد و بعد فراموش شد چرا که طرفداران عدل خمینی خمینیسم را یک مکتب درجه اول اسلامی می پنداشتند که کارش برانداختن طاغوت و طاغوت های جهان بود. اما وقتی گندش درآمد و معلوم شد، آقا آنقدر که طرفدارانش می گفتند نمی فهمد واژه ی خمینیسم هم یا فراموش شد یا تغییر معنی داد و بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی خمینیسم را مکتبی ارتجاعی و دروغ پرداز و ریا تعبیر کردند و با اتفاقاتی که افتاد و نوارهایی که پخش شد جز اینهم نمیتوان معنای دیگری برای خمینیسم یا بقول آمریکائی خمینیزم پیدا کرد.

امروز (نهم دسامبر ۲۰۰۸) با خانمی ایرانی که گویا سال هاست در فرهنگ این سرزمین (آمریکا) غرق شده و فارسی اش فراموشش شده و برای کاری پیش صاحبخانه ای که من در آنجا (نیوجرسی) بیتوته کرده ام آمد تا خانم صاحبخانه گفت ایشان آقای سپند شاعر هستند بانو گل از گلش شکفت که به به من شعر خیلی دوست دارم و زیر هر نقاشی که میکنم شعری هم می نویسم گفتم به به شما پس نقاش هم هستید گفت بله من برای کلیسا نقاشی میکنم گفتم به به پس شما مذهبی هم هستید گفت بله من برای خدا نقاشی میکنم گفتم به به پس شما خداشناس هم هستید گفت بله. خدا با من حرف میزند.

پالپال

(چاپ سوم)

دفتر شعر مسعود سپند تجدید چاپ شد.

برای سفارش لطفاً با آدرس زیر تماس حاصل فرمایید:

masoudsepand@yahoo.com

این مجموعه شامل چکامه های تازه سپند نیست.



بدون پیش قسط صاحب منزل شوید

(Loan Amount Max. \$417,000)

خرید منزل تا مقدار ۶۹۰.۰۰۰ دلار
بدون پیش قسط

برای گرفتن بهترین بهره بدون هزینه
با من تماس حاصل نمایید.

تبدیل وامهای قدیم به جدید

لیست خانه های ضبط شده از طرف بانکها
با ۴.۵ درصد کمیسیون
خانه شما را با قیمت مناسب
بفروش میروانیم.

کامران پورشامس
آیدین پورشامس
مشاورین املاک و سرمایه گذاری

Kamran Pourshams
Idean Pourshams
Res.: (408) 879-9343
Bus.: (408) 369-2000
Direct: (408) 369-2020
Cell: (408) 781-1200

1700 Winchester Blvd. Campbell, CA 95008

Ebadat Chiropractic, Inc.

دکتر اصغر عبادت کایروپراکتور



Jay Ebadat D.C.

تشخیص و معالجه:

- * سردرد
- * گردن درد
- * زانو درد
- * کمر درد
- * شانه درد
- * صدمات ناشی از کار و ورزش
- * ناراحتی های ناشی از تصادفات رانندگی

راه طبیعی برای کمک به بیماریهای قند، فشار خون و کلسترول با کم کردن وزن و تغذیه ای صحیح و سالم

ماساژ و کلاس های ورزشی یوگا با معلم خصوصی

اکثر بیمه ها از جمله مدیکر پذیرفته می شود
برای کسانی که بیمه ندارند تسهیلاتی در نظر گرفته شده است

(408) 244-6555

- * Weight Loss Program
- * Yoga Class
- * Massage Therapy (Deep Tissue, Shiatsu, Relaxation)

- * Personal Trainer

"We care for you as we do our own"

www.southbaychiro.com

1066 Saratoga Ave., Suite 120, San Jose, CA 95129

